

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

۱۲ جولای ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

## یادی از کابل!

زادگاه و پرورشگاه محبوبم، هوای بهشت آسا، پرمهر و زیبای کابل عزیز است، که از فیض آن به بلوغ و کمال رسیده و افتخاراتی کمائی کرده ام. دوران طولانی زندگانی در غربت و مهاجرت، خاطرات شیرین و رنگین دامن پرفیضش را از لوح احساسم دور نساخته است، هر لحظه و هر ساعت به یادش نغمه ای سر می دهم. این هم سروده ای ست، به همان مناسبت:

روز و شب، همی بینم بس که خواب کابل را  
چار فصل موزونش، رنگ و بوی مکنونش  
در شمار مشتاقان، از جهان چه می پرسی؟  
گفته اند رمزآمیز، این که «صائب» تبریز  
عشق در نهادش زد، آب و خاک و بادش زد  
تا ریاض کابل دید، عطر نسترن بوئید  
هم به روضه رضوان گفت: کس نمی یابد  
موج نسترنزارش، باغ و راغ و گلزارش  
گلرخان سیمین تن، هرطرف خرامیدن  
یاد او کند مستم، دیر شد نخورده ستم

هر زمان به دل دارم، اضطراب کابل را  
در جهان نمی یابی، هیچ باب کابل را  
دوستان بسیار و بی حساب کابل را  
پرطراوت و گل بیز، دید خواب کابل را  
دادگر به یادش زد، انتخاب کابل را  
تشنه آمد و نوشید، آب ناب کابل را  
آب چشمه پغمان، آفتاب کابل را  
ارغوان گلنارش، هم گلاب کابل را  
رنگ دیگری می داد، بازتاب کابل را  
نی شراب کابل را، نه کباب کابل را

بس که دشمن مگـار، فتنه ها کند هر بار سیل خون بگرداند، آسیاب کابل را  
رنج و محنت غربت، پیر و ناتوانم ساخت  
کی برم «اسیر» از یاد، شیخ و شاب کابل را

(م. نسیم «اسیر» - ۲۶ جون ۲۰۱۶ع، فرانکفورت)